

چالش فلسفی کرونا در تدوین برنامه درسی از منظر فلسفه تحلیلی

منوره منصوری^۱، رضا صابری^۲، عباس توان^۳

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهید حاج قاسم سلیمانی (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار دانشگاه فرهنگیان کرمان

^۳ استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی چالش فلسفی کرونا در تدوین برنامه درسی از منظر فلسفه تحلیلی می باشد. روش تحقیق حاضر بر اساس هدف، از نوع مطالعات نظری و از نظر گردآوری اطلاعات از نوع روش توصیفی است که اطلاعات آن با استفاده از روش کتابخانه ای جمع آوری گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل اسناد، مدارک، کتاب، مقالات و مطالب و مفاهیم در ارتباط با موضوع پژوهش بود که با توجه به سطح دسترسی به این مطالب، به استفاده و فیش برداری از مفاهیم در این حوزه پرداخته شد. نتایج این پژوهش نشان داد که اگر چه پاندمی کرونا، مشکلات زیادی بر تمام شاخص های جامعه از جمله سلامت مردم تحمیل کرد، اما منجر به شکوفایی برخی قابلیت ها در کشور شد که از جمله آن می توان به فراگیر شدن و رونق یافتن آموزش مجازی در سراسر کشور اشاره کرد. بنابراین پیشنهاد می شود که با توسعه زیرساخت های لازم از قبیل توسعه شبکه سراسری اینترنت و افزایش سرعت آن، تولید نرم افزارهای آموزشی تعامل محور، و استفاده از تجارب کسب شده در این پاندمی شاهد رونق روز افزون آموزش مجازی در کشور باشیم و حتی بعد از پایان یافتن شیوع کرونا، این نوع آموزش در کنار آموزش حضوری تداوم داشته باشد.

واژه های کلیدی: برنامه درسی، کرونا، آموزش مجازی

مقدمه

قرن بیست و یکم قرن دانایی است، قرن تغییر از جامعه صنعتی به جامعه فراصنعتی یا جامعه اطلاعاتی است و می رود که اطلاعات، دانش و آگاهی اساسی ترین دارایی انسان ها، ملت ها و جوامع به شمار آید. با رشد و گسترش فناوری اطلاعات و کوتاه تر شدن چرخه های اقتصادی، دارایی های ناملموس به ویژه دانایی نقش خود را پر رنگ تر کرده و باعث ایجاد ارزش افزوده می گردد، در نتیجه اطلاعات یک کالای راهبردی و استراتژیک محسوب گشته و از شاخص های اصلی توسعه یافتگی در میان ملت ها و جوامع است (سالم، ۱۳۹۷).

با این حال در طول تاریخ و در دوران معاصر، بحران های بسیاری بوده که بر روند حضور اجتماعی افراد جامعه تأثیر گذاشته است و باعث کاهش رغبت افراد برای حضور در بیرون از خانه شده است. بیماری های فصلی، آلودگی هوا، اغتشاشات و درگیری های خیابانی و ... از جمله این بحران ها بوده اند. اما بحران جدیدی که کل کشورها را متأثر از خود نموده است، شیوه و پروس کرونا است. شیوع ذات الریه پنومونی کرونا و پروس^۱ جدید در دسامبر سال ۲۰۱۹ در شهر ووهان، استان هوبی، کشور چین رخ داد و نگرانی جهانی در پی آن بود. مانند همه شیوع بیماری ها، اولین پاسخ روانشناختی احتمالی جمعیت عمومی ترس و وحشت از آلوده شدن است. آنها همچنین می ترسند که این بیماری همه گیر ادامه یابد (دان^۲، ۲۰۲۰). شیوع بدون مرز این ویروس جدید و کشنده باعث تعطیلی مراکز عمومی، اماکن آموزشی و رویدادهای مهم از جمله سطوح مختلف فعالیت های اجتماعی و پژوهشی و ... در نقاط مختلف جهان شده است. در این رابطه یکی از نهادهای متأثر از کرونا ویروس، سازمان ها و مؤسسات آموزشی مانند مدارس و دانشگاه ها بود.

در حالی که در دوران ابهام آمیزی به سر می بریم، دانشگاه ها می توانند پیوسته در تلاش برای ارائه آموزش با کیفیت بالا و ارتباط استوار با دانشجویان باشند. برای انجام این کار لازم است مؤسسات آموزش عالی به نیاز ها و نگرانی های دانشجویان گوش دهند و خود را با به روزترین ابزارهای فناورانه ارتقاء دهند (گزارش کمیسیون سلامت ملی چین، ۲۰۲۰).

در این راستا رضانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بحران کرونا و ضرورت بازنگری و تغییر در تدوین محتوای برنامه های درسی اظهار می کنند که لزوم تغییر محتوای برنامه های درسی به سوی آموزش مبتنی بر شایستگی می تواند بعنوان یکی از شقوق مهم قلمداد گردد. ویژگی های این نوع برنامه درسی شامل تأکید بر عملکرد حرفه ای یادگیرندگان، داشتن نگاه یادگیری خودراهبر و یادگیری مادام العمر، فعال بودن نقش یادگیرنده در امر آموزش و یادگیری، تأکید بر آموزش مهارت ها، تأکید بر شایستگی ها و دستاوردهای یادگیری، نقش اصلاحی و یادگیری ارزشیابی، فعالیت های یادگیری مبتنی بر استاندارد و اهمیت ارزشیابی تکوینی در آن، هم زمانی توجه به نظر و عمل و همچنین رویکردهای آموزشی منعطف، یادگیری در گروه های بزرگ، گروه های کوچک، یادگیری فردی و توجه به مواد یادگیری متنوع است. امراله و همکاران (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان شناسایی و اولویت بندی موانع اجرای مجازی برنامه درسی رسمی کشور در دوران شیوع جهانی بیماری کرونا اظهار کردند که از دیدگاه مدیران و معلمان مدارس، پنج مانع اصلی به ترتیب: ۱- موانع آموزشی، ۲- موانع فرهنگی و اجتماعی، ۳- موانع زیرساختی و فنی، ۴- موانع مدیریتی و سازمانی، و ۵- موانع مالی به عنوان موانع اصلی اجرای مجازی برنامه درسی رسمی کشور در دوران شیوع جهانی بیماری کرونا شناسایی و اولویت بندی شدند. کرامتی و همکاران (۱۳۹۹) نیز در پژوهش خود با عنوان نقش اساتید در اثربخشی برنامه های درسی مجازی در عصر کرونا اظهار کردند که تنوع بخشی اساتید به روش های آموزشی با توجه به سبک های یادگیری متفاوت برای ایجاد و حفظ انگیزه یادگیری در فراگیران، ایجاد تعاملات گسترده چند مرحله ای و چند وجهی در محیط یادگیری مجازی، هدایت به یافتن و تولید منابع اطلاعاتی در راستای رشد خودرهبری و نیز

۴ - coronavirus pneumonia

۵ - Dan

هدایت به خودارزیابی و استفاده از شیوه های متنوع آن برای مواجه با چالش ارزشیابی در محیط یادگیری مجازی از جمله راهکارهای اثربخشی برنامه های درسی مجازی در عصر کرونا است.

با این حال و با توجه به تغییرات و پویایی های محیطی که در عصر حاضر وجود دارد، اداره سازمان های آموزشی امروزی امری بسیار پیچیده است و راه کارهایی که برای اداره این سازمان ها در گذشته بکار می رفت، دیگر کارآمدی خود را از دست داده است، بنابراین برای مقابله با این موضوع در حوزه مدیریت نیز ما همواره شاهد اندیشه های جدیدی هستیم. لازمه اجرای چنین اندیشه هایی آن است که سازمان های آموزشی تحولات اساسی در شیوه های مدیریتی و آموزش های سنتی خود بوجود بیاورند، تا همواره آماده یادگیری و پذیرای تفکرات نوین برای سازگاری با تغییرات باشند. در این راستا هدف از این پژوهش چالش فلسفی کرونا در تدوین برنامه درسی از منظر فلسفه تحلیلی می باشد. تحلیل منطقی یا فلسفه تحلیلی به کلیه فلسفه های معاصر گفته می شود که نقش اساسی فلسفه را تجزیه و تحلیل منطقی و زبان شناختی می دانند و مکتب هایی از قبیل: ثبوت گرایی منطقی، تجربه گرایی منطقی، تجربه گرایی علمی، عملکردگرایی و عملگرایی نو زیر عنوان فلسفه تحلیلی قرار می گیرند. عمده روشی که برای تعلیم و تربیت توصیه می شود، همان روش خود فلسفه تحلیلی است که راه تجزیه مفاهیم و رساندن آن به مفاهیم بسیط را نشان می دهد و نوع برخورد با یک ادعاء، بایستی با نقادی معرفتی صورت گیرد و تاکید بر آن است که نوع استفاده از زبان و حدود آن مورد توجه قرار گیرد و استفاده از مفاهیم بی معنی موجب به هم ریختگی ذهن نشود. آنچه موسوم به فلسفه ی تحلیلی است، قدمتی در حدود صد و بیست سال دارد. اما تاریخ فلسفه تحلیلی تنها در دو دهه ی اخیر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. باید توجه داشت که فلسفه ی تحلیلی یک رشته نیست، یک رویکرد است. به این معنا که یک نگاه کلان درباره ی مسائل فلسفی است که ذیل آن می توان به مسایل مختلف نگریست. با این مانند سایر علوم، صاحب نظران و دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت نیز لزوم بازنگری در اصول و تفکرات رایج تربیتی را به ویژه در زمان های حساس مانند بحران های اجتماعی احساس کردند. اکنون باید پرسید که تعلیم و تربیت چه عرصه ای را برای تحلیل در حال حاضر و شیوع بیماری کرونا نشان می دهد. از دیدگاه شفلر توجه به معنا و عملکرد مفاهیم زمینه ای برخی تحلیل ها در فلسفه ی تعلیم و تربیت معاصر است. علاوه بر مفاهیمی چون دانستن، یاد گرفتن، فکر کردن، فهمیدن، توضیح دادن که در روانشناسی علمی و ادبیات فلسفی هم مورد تحلیل واقع می شوند، مفاهیم اختصاصی تر مانند انضباط ذهنی، آموزش، برنامه ی درسی و... زمینه ی فعالیت فکری فیلسوفان تعلیم و تربیت در زمان کنونی است. با این حال و با شیوع بیماری کرونا و اثرات آن بر برنامه درسی و تعطیلی مدارس، لزوم تحلیل و بررسی چالش های فلسفی کرونا در تدوین برنامه درسی از منظر فلسفه تحلیلی و ارائه راهبردهای برون رفت از چالش ها احساس می شود، لذا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چالش های فلسفی کرونا در تدوین برنامه درسی از منظر فلسفه تحلیلی چیست و راهکارهای برون رفت از آن چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

فلسفه تحلیلی

فلسفه تحلیلی فلسفه غالب در کشورهای انگلیسی زبان (آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا و نیوزیلند) در قرن بیستم است. مهم ترین ویژگی این نحله فلسفی توضیح و تحلیل ساختار فکر از طریق تحلیل های منطقی و زبانی است. در نزد بسیاری از فیلسوفان تحلیلی ایضاح گزاره های فلسفی از طریق تحلیل مفاهیم راه گشای حل مسایل فلسفی است. فلسفه تحلیلی دارای سه شاخه اصلی است: مکتب کمبریج، پوزیتویسم منطقی و مکتب آکسفورد. اندیشه های فیلسوفان تحلیلی بر حوزه های مختلف دانش، از جمله اخلاق، سیاست، حقوق، و تعلیم و تربیت تاثیرگذار بوده است. معرفی اجمالی فلسفه تحلیلی و چگونگی تاثیر آن بر فلسفه تعلیم و تربیت هدف اصلی نگارش این بخش است و به ابعاد آن در زیر اشاره می شود:

۱. شناخت‌شناسی

حقیقت از طریق زبان قابل حصول است. برای جلوگیری از خطا بایستی حدود معرفت که حدود زبان است، مشخص شود. اندیشه‌ها قابل تحلیل به عناصر بسیط هستند که بایستی به تجربه ختم شوند (بهشتی، ۱۳۸۶).

۲. انسان‌شناسی

انسان، دارای امکانات زبان طبیعی است که می‌تواند با ساختن زبان منطقی آن را دقیق‌تر کند. هرگونه ادعاء فراتر از حوزه معرفت و زبان که محدود به تجربه است، بی‌معنی می‌باشد و قابل تحقیق نبوده و ارزش علمی ندارد.

۳. ارزش‌شناسی

ارزش‌ها، قابل تحقیق عینی نبوده و نسبی می‌باشند (بهشتی، ۱۳۸۶).

با این تحلیلی که از مقدمات، الزامات، مبانی و پیش‌فرض‌های فلسفه تحلیلی به عمل آمد، مشخص می‌گردد که فیلسوفان تحلیلی گر چه به صورت صریح درباره انسان، خدا، ارزش و شناخت سخن نگفته‌اند اما در پی‌ریزی روش خود ناگزیر از مبانی مرتبط بوده‌اند.

دو تعبیر مختلف از فلسفه تحلیلی می‌شود که نقش بسزایی در حوزه تعلیم و تربیت می‌تواند داشته باشد: تعبیر رایج همین است که فلسفه تحلیلی به توضیح مفاهیم و توجیه شرایط منطقی لازم و کافی کاربرد یک واژه را مشخص می‌کند که ریچارد پیترز و پل هرست این نگاه را دارند. تعبیر دومی که ایورز مطرح می‌کند این است که فلسفه تحلیلی به معنای تلاشی برای یافتن پیش‌فرض‌های بنیادین دانش باشد (بهشتی، ۱۳۸۶).

گرایش تربیتی

جوناس سولتیس، درباره چرخیدن فلسفه تعلیم و تربیت به گرایش تحلیلی می‌گوید: در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰، به انتقال از یک پارادایم عمل‌گرا به یک پارادایم تحلیلی تن دادیم؛ زیرا فلسفه عمل‌گرا توانایی حل فوری مسائل را نداشت. در حقیقت نقد از پراگماتیسم بود که فلسفه تربیت را به سوی فلسفه تحلیلی گرایش داد و تلاش‌های ریچارد پیترز در لندن موجب گسترش این گرایش در فلسفه تعلیم و تربیت شد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۰).

فلسفه تعلیم و تربیت در صورتی که به کارگیری فلسفه در تربیت باشد، ما مکتب تحلیلی تعلیم و تربیت نخواهیم داشت و ما به مسلک تربیتی نخواهیم رسید. سه دلیل برای این ادعاء وجود دارد. دلیل اول اینکه مکتب فلسفی تربیت از مبانی کلان تربیت تشکیل می‌شود و فلسفه تحلیلی، نظام فلسفه سنتی را ندارد. دلیل دوم اینکه فلسفه تحلیلی ناظر به معرفت و ایدئولوژی‌ها است و توضیح گزاره‌ها را بر عهده فلسفه می‌داند و خود به تولید گزاره بینش‌زا نمی‌پردازد تا درباره مبانی تعلیم و تربیت باشد و دلیل سوم اینکه فلسفه تحلیلی، روش و تکنیک است و فقط از آنها در قضایای تربیتی می‌توان استفاده برد (فراشبندی، ۱۳۹۷).

از آن رو که این گرایش فلسفی در تعلیم و تربیت، نظامی برای تعلیم و تربیت درست نکرده است و ادعای روش محض بودن را دارد، ما بر اساس مبانی نظری پیش‌گفته نتایج و لوازم تربیتی آنها را در چند قسمت توضیح می‌دهیم.

ماهیت تعلیم و تربیت

آموزش و پرورش از منظر پوزیتویستی که بستر فکری برای فلسفه تحلیلی است، بایستی محدود به حوزه تجربه و ریاضی (منطقی) باشد. از این رو تربیت نمودن شخص به معنای پروراندن امکانات تجربی و ریاضی در اشخاص است. روش تحلیلی، سعی می کند با تحلیل مفهوم تعلیم و تربیت، ماهیت آن را خاطر نشان کند. برای مثال، پیترز با تحلیل مفهوم تعلیم و تربیت نشان داد که تربیت به سوی اهدافی ارزشمند ترسیم شده است. اما اشکال مهمی که در این رویکرد مورد توجه قرار گرفته، این است که در حقیقت در این گونه از بیان، تحلیل گر فهم خود را به مخاطبین تحمیل می کند، نه اینکه واقعیت تربیت را منعکس کند.

اهداف تعلیم و تربیت

پیترز، در تحلیلی که از تربیت دارد، می گوید جهت گیری به سوی ارزش های خاصی در معنای تعلیم و تربیت وجود دارد؛ پس اهداف، ارزش هایی هستند که قبل از تربیت اتخاذ شده اند و نمی توان از اهداف تربیتی سخن گفت. خاطر نشان می شود که هدف تربیت، از ماهیت آن گرفته می شود و در هر دوره تاریخی، مفاهیم تعلیم و تربیت معیارهای خاصی دارند و عصری می باشند و با توجه به مبنای ارزش شناختی، ارزش مطلق را انکار کرده و قائل به ارزش نسبی هستند (فراشبندی، ۱۳۹۷).

با این حال، بیشتر حساسیت نگرش تحلیلی در فلسفه به زبان و نقش آن در تعلیم و تربیت می باشد که ارتباط بین معلم و متعلم از طریق زبان می باشد. از این رو اهدافی متناسب با این وجهه نظر دارند. فلسفه تحلیلی، تأکید بر زبان دارد؛ از این رو یکی از اهداف مهم در تعلیم و تربیت، آشناسازی افراد با امکانات زبانی است که در واقع دریچه فهم حقایق هست و بایستی یادگیرنده را به بارهای معنوی و پیش فرض های زبان متوجه نمود (فراشبندی، ۱۳۹۷).

روش های تعلیم و تربیت

عمده روشی که برای تعلیم و تربیت توصیه می شود، همان روش خود فلسفه تحلیلی است که راه تجزیه مفاهیم و رساندن آن به مفاهیم بسیط را نشان می دهد و نوع برخورد با یک ادعاء، بایستی با نقادی معرفتی صورت گیرد و تأکید بر آن است که نوع استفاده از زبان و حدود آن مورد توجه قرار گیرد و استفاده از مفاهیم بی معنی موجب به هم ریختگی ذهن نشود. با توجه به ارزشمندی روش منطقی - ریاضی نزد فیلسوفان تحلیلی، برخی از آنان ساختن تصور منطقی را پیشنهاد می کنند. یعنی ساختن اشکال منطقی که ما را در روشن کردن و نظم دادن به مفاهیم کمک می کند (فراشبندی، ۱۳۹۷).

با توجه به تعبیری که اورز از فلسفه تحلیلی ارائه کرد، روش دیگر در آموزش و پرورش، بررسی پیش فرض های یک ادعاء و نظریه هست.

برنامه درسی

توجه فیلسوفان تحلیلی به علوم تجربی و ریاضی در غایت اهمیت است. علوم ریاضی که با تلاش های راسل، زبان منطقی علوم شده بود؛ به عنوان سازمان بخش تلقی می شد و علوم تجربی، محتوای این نظام را تشکیل می داد. از این رو در برنامه درسی بایستی هم به نظام منطقی و پیوستگی و وحدت توجه شود و هم به محتوای آنکه تجربی باشد. با اینکه بایستی علم در تجربه مشاهده شود، ولی چیزی که مهم است اینکه یادگیرنده فهمی تحلیلی از هر چه آموزش می بیند را داشته باشد، موادی که شخص را با ظرافت، اهمیت زبان و نقش آن در معرفت آشنا سازد، بایستی در برنامه درسی قرار گیرد (فراشبندی، ۱۳۹۷).

شیوع کرونا

بحران کرونا، یک عصر و دوران خاصی در حد دوران های پیشین مانند دوران قرون وسطی یا عصر روشنگری نیست ولی شاید بتواند با مساعدت دیگر عوامل و به تدریج، عصر ساز و دوران ساز نیز باشد. بحران کرونا به دلایلی چند از قبیل استمرار و حضورش در ماه ها و حتی سال های آتی و نیز تاثیر آن در پیدایش تدریجی چالش های بنیادی در حوزه زندگی و اندیشه و عمل، میتواند زمینه تغییراتی اساسی و تشکیل عصری متفاوت باشد. دلیل دیگر در باب امکان زمینه سازی این بحران برای ظهور عصری متفاوت، آمادگی تا حدی ملموس خود فرهنگ ها و ملل و حتی برخی از دولت ها برای حصول تغییراتی اساسی در آینده است. ظهور ادبیاتی متفاوت در طی این بحران، که خود را به نحو آشکار و عریان در فضای مجازی به نمایش می گذارد، مخصوصا در کشورهای در حال توسعه، می تواند یکی از نشانه های طلب تغییرات در این ایام باشد. به نظر می رسد که اگر وضعیت بحرانی موجود به طول انجامد، حداقل در حکم استارتی برای تغییرات مهم بعدی خواهد بود. بدین معنی که اگر این بحران بتواند زمان بخرد و طولانی شود، می تواند تاثیرات خود را بیش از پیش آشکار سازد. در واقع این زمان است که در این دوره نقشی بس اساسی دارد و مساله بحران کنونی است؛ هم از جهت ادامه بحران و هم نتایج آن (خلق زمانه بحران) نقطه قابل توجه این است که تطویل زمان بحران سبب تشکل زمان های به اقتضای بحران (و متفاوت از گذشته) خواهد شد (رمضانی قباد، ۱۳۹۹).

یکی از دم دستی ترین موارد قابل ذکر در باب بازتاب های بحران های بشری در اندیشه های فلسفی را می توان به بحران آنفولانزای پس از جنگ جهانی اول (پس از ۱۹۱۸ میلادی) و بحران جنگ های جهانی اول و دوم نام برد که بازتاب های خود را به نحو اخص در فلسفه های اگزیستانسیالیستی به نمایش گذاشته است. یکی از بزرگترین رمان های فلسفی آلبر کامو با عنوان طاعون را می توان محصول بحران های بیولوژیکی تاریخ بشر از همین قبیل دانست. برای مثال در رمان طاعون ما با این دیدگاه مواجه می شویم که طاعون بیرونی (بخوانید بحران بیرونی کرونا) می گذرد ولی طاعون درونی (بخوانید بحران درونی و فرهنگی کرونا) بر جا می ماند؛ به دنبال طاعون جسم، طاعون روح زنده می ماند. حال اگر چشم اندازی که در بالا مطرح شد مقبول واقع شود آنگاه میتوان از سه مرحله تاریخی پیشاکرونا، کرونا و پساکرونا سخن گفت. در همین گام نخست و با طرح همین سه مرحله تاریخی، می توان شاهد نخستین ردپاهای چالش و تغییر در نگاه ما به وضعیت زندگی و تاریخمان بود. بدین معنی که در این تقسیم بندی اخیر، محوریت مرحله بندی و تقسیم بندی، نه یک نظام یا جریان فلسفی یا دینی یا سیاسی یا ... بلکه یک رخداد بیولوژیکی است. و گویی این تقسیم بندی جدید است که به منزله ظرفی جدید برای دیگر امور و حوزه ها و جریان ها خواهد بود (امراه، ۱۳۹۹).

برنامه درسی در کرونا

شیوع ویروس کرونا که از اوایل اسفند ۱۳۹۸ همه عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران را تحت الشعاع قرار داد، نظام آموزشی را نیز که طبق روال عادی در همه جای دنیا غالباً مبتنی بر آموزش حضوری به شکل مستمر است به چالش کشید. آنچه تا حدودی این چالش را برای نظام آموزشی کمرنگ می کند. گستردگی رسانه های مجازی و رسانه ملی برای کمک به نظام آموزشی است. صدا و سیما، فضای مجازی، اپلیکیشن ها، کلاس های مجازی همه ابزارهایی هستند که می توانند یاری گر مدرسه و دانشگاه در این شرایط باشند.

عمده ترین مسائل در برخورد با این موضوع غیر مترقبه، ناشناخته بودن و گستردگی آن است که همه نهاد آموزش از پیش دبستانی تا دانشگاه را درگیر کرده است. تاثیر عمیق و گسترده روانی بر روی دانشجویان و دانش آموزان و همه فعالان عرصه آموزش، محدودیت زمان برای ترم یا سال تحصیلی، حجم و محتوای زمان بندی شده و اینکه عمده دروس برای فضای حقیقی و حضوری طراحی شده است و ارائه آن در فضای مجازی نیاز به تغییر محتوا یا تبدیل محتوا در فرمت متناسب با فضای مجازی

دارد، کم رنگ شدن فضای احساسی و عاطفی در فضای مجازی از موارد چالش برانگیز است. با همه این مشکلات فضای مجازی و صدا و سیما می توانند بستر خوبی برای جبران بخش عمده ای از مافات باشند.

غافلگیری برنامه های آموزشی از همه گیری کرونا

بحران ویروس کرونا نه تنها آموزش، بلکه همه نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ما و همه دنیا را غافلگیر کرده است. آنقدر که تا هفته ها اکثر افراد آن را جدی نمی گرفتند. امور غیر مترقبه دیگر هم چون سیل و زلزله و بلایای طبیعی ناگهانی، تاکنون به این گستردگی نبوده، بلکه منطقه ای و محدود بوده است. اگر در منطقه ای زلزله یا سیل واقع می شد از استان ها و مناطق دیگر یا حوزه های دیگر امکان کمک گرفتن بود اما امروز همه جامعه درگیر شده است. نظام های آموزشی هم از دیگر نظامات بشری مستثنا نیستند. نظام آموزشی ما برای امور ناگهانی به شکل مقطعی برنامه ریزی و جایگزین دارد اما گستردگی و غافلگیری این ویروس بر همه امور از جمله آموزش اثر گذاشته است. مشاهده می شود که در تمام کشورها نهاد آموزش با وقفه مواجه شده است. سایه سنگین این ویروس بر همه امور فردی تا جمعی افتاده است ناگهانی و غافلگیر کننده بوده است. البته از همان روزهای ابتدایی وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم هر دو پای کار آمدند تا با همکاری و همیاری صدا و سیما و فضای مجازی تا حدودی این غافلگیری را جبران کنند.

در ایران حدود سیزده میلیون نفر دانش آموز و حدود سه و نیم میلیون نفر دانشجو وجود دارد. صحت و سلامت جسمی و روانی و جلوگیری از آسیب دیدن این بخش بزرگ جامعه در نظر سیاستگذاران در اولویت بوده است و لذا با شعار (مدارس و دانشگاه ها تعطیل است، اما آموزش تعطیل نیست) جامعه به استقبال این بلای فراگیر رفت. از همان روزهای نخست جلوه هایی از تلاش برای اجرای برنامه های آموزشی در شرایط جدید در تمام سطوح در جامعه دیده می شد. از آموزش و نوشتن روی کاشی های حمام و بدنه یخچال (به جای تخته وایت برد) توسط معلمان تا استفاده از ابزارهای دیگر، از we chat تا کلاس های مجازی و کلاس های تلویزیونی رونق پیدا کرد. گستردگی فضای مجازی و اینترنت این غافلگیری را کمرنگ کرده است. اما حدود ۳۰ درصد فراگیران همچنان امکان دسترسی دائم به فضای مجازی و یا استفاده از برنامه های آموزشی مجازی را ندارند و این هم از تبعات گستردگی همه این ویروس در شرایطی است که هنوز برخی زیرساخت های لازم برای آموزش مجازی در کشور فراهم نیست. در نظر بگیریم حتی برخی از دانش آموزان از تلفن همراه و فضای مجازی والدینشان استفاده می کنند. این در حالی است که والدین شاغل در طول روز در خانه حضور ندارند و همین موضوع دسترسی این دانش آموزان به آموزش های الکترونیکی ارائه شده در بستر فضای مجازی را محدود می کند. به علاوه در خانواده هایی که چند دانش آموز دارند استفاده از این امکانات محدود به صورت مشترک، مشکلات دیگری دارد (بشارت نیا، ۱۳۹۹).

روشناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر بر اساس هدف، از نوع مطالعات نظری بود که می تواند در نظام آموزشی کشور مورد استفاده قرار گیرد. همچنین روش تحقیق حاضر از نوع گردآوری اطلاعات از نوع روش توصیفی است که اطلاعات آن با استفاده از روش کتابخانه ای جمع آوری گردید.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل اسناد، مدارک، کتاب، مقالات و مطالب و مفاهیم در ارتباط با موضوع پژوهش بود که با توجه به سطح دسترسی به این مطالب، به استفاده و فیش برداری از مفاهیم در این حوزه پرداخته شد. در این قسمت سعی گردید تا مطالب و مبانی نظری مهم و اساسی در این حوزه مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد. در بررسی مطالب، سعی در این بود که بررسی مبانی مهم در این حوزه از قلم نیافتد.

روش گردآوری اطلاعات

در این تحقیق از دو روش ذیل برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است :

الف - روش کتابخانه ای : در این پژوهش محقق جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات تحقیق و همچنین پیشینه موضوع تحقیق از مطالعات کتابخانه ای مانند، کتاب ها و مقالات فارسی و لاتین و منابع اینترنتی و تحقیقات مشابه در این زمینه استفاده نمود.

ب - جستجو از طریق منابع الکترونیک : به منظور آگاهی از یافته های مطالعات صورت گرفته در سایر نقاط دنیا و دستیابی به نتایج مطالعات یافته های پژوهشی، مقالات علمی و تبادل اطلاعات و منابع از جستجوی اینترنتی استفاده گردید.

ابزار پژوهش

فیش برداری : ابزار گردآوری داده ها اسنادکاوی است که در این پژوهش با استفاده از فیش برداری، بانک های اطلاعاتی، شبکه های کامپیوتری به جمع آوری پیشینه های پژوهش انجام شده در این زمینه و مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته مورد پالایش و تحلیل قرار خواهد گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

روش هر پژوهش نقش اساسی در تعیین روایی پژوهش و ارزش نهایی آن دارد. در این پژوهش با مطالعه منابع فارسی و لاتین به تامل و بررسی هر یک از متغیرهای پژوهش در این منابع پرداخته شد و در نهایت نتایج و راه حل هایی برای سوالات پژوهش بدست آمد. لذا نگارنده در این تحقیق از روش کتابخانه ای و تحلیلی استفاده نموده و تلاش دارد که با تعمق در مبانی نظری و پیشینه پژوهش های صورت گرفته شده استنباط شود تا هرچه روشن تر بتوان با شناخت بیشتر عملکرد مناسب تر در آموزش و پرورش افراد بدست آید.

یافته ها و تجزیه و تحلیل داده ها

بررسی چالش های مجریان و طراحان آموزشی

گستره هجمه این ویروس هم از جهت جغرافیایی که همه نقاط شهری و روستایی را به تعطیلی کشاند و هم از جهت افراد که همه گروه های سنی از پیش دبستانی تا سطوح عالی دانشگاهی را درگیر کرده است پس با این دو وجه گستره جغرافیایی و انسانی باید برای مخاطبان برنامه ریزی و اجرا شود. طبیعی است که برنامه های تلویزیونی و مجازی نتواند تمام حوزه جغرافیایی و انسانی را پوشش دهد و یا اگر پوشش دهد هم چقدر این ارتباط می تواند دو طرفه باشد. البته ابزارهایی که به کمک ما می آیند از نظر کارشناسان حدود ۷۰ درصد می تواند این خلا آموزش مدرسه ای را پوشش دهد. سازماندهی کلاس های مجازی نیازمند این است که تمام افراد به رایانه دسترسی داشته باشند، این یک فرآیند پیچیده است که تمام ابزار آن را در اختیار نداریم و آموزگاران هم برای این شیوه آموزش لازم را ندیده اند. پوشش تلویزیون و اینترنت و همپوشانی زمانی و برنامه ای نیز تا حدودی کار را مشکل می کند. تازه اگر این پوشش کامل هم باشد، طیف متنوع دروس و رشته ها در مدارس و دانشگاه ها خود مشکل عمده های در این مقطع است.

چالش های نظام آموزشی در بحران کرونا



چالش های برنامه درسی در مواجهه با کرونا

مشکل ارائه دروس به چند طیف بر می گردد :

۱- فلسفه وجودی بعضی دروس ارائه در کلاس درس فیزیکی و حضور چهره به چهره معلم و دانش آموز است که ارائه در فضای مجازی اثرگذاری آن را کم می کند.

۲- ارائه دروس در بعضی از کلاس های مدارس ابتدایی و متوسطه مخاطب را قانع نمی کند و یا یاد نمی گیرد.

۳- ارائه دروس عملی، این دروس را باید در کارگاه یا آزمایشگاه و یا کلاس درس ارائه شود و در فضای مجازی نمی توان اثر ملموس حضوری را توقع داشت. فضای مجازی می تواند تا حدودی مخاطب را به کلاس درس نزدیک کند و افراد را از فضای درس و یادگیری دور نگه ندارد.

آموزش مجازی در حالت عادی مزایای بسیاری دارد و می تواند به عنوان آموزش مکمل اثربخش باشد. نظام آموزشی ما هنوز به این نوع آموزش نوین عادت نکرده است. شاید کرونا با همه گرفتاری و درد سرها جنبه مثبتی هم داشته باشد و به گفته قرآن کریم: « بلاء حسنا » باشد، و بتواند در تنگناهای ایجاد شده توانایی های نهفته در عرصه الکترونیک و مجازی را به بروز و ظهور برساند. آموزش در این حوزه فن آوری نوینی است که بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا از آن بهره می برند.

مزیت های آن را می توان به شرح زیر برشمرد :

❖ جذابیت : چون شیوه جدید و نو است اگر درست به کار گرفته شود میتواند برای مخاطب جذابیت داشته باشد و در این مسیر باید از شکل و محتوای مناسب و درخور و متناسب با سن و سال و حال و هوای مخاطب و نیازهای علمی و آموزشی او طراحی شود و در همین راستا از تصاویر صدا و محتوای مناسب بهره برد و حس کنجکاوی او را برانگیزد.

- ❖ افزایش بهره وری : با توجه به نامحدود بودن فضای الکترونیکی و متدها و شیوه های متنوع کاربران می توانند بهره مندی های متعددی از این شیوه آموزش ببرند.
 - ❖ نامحدود بودن فضای آموزشی
 - ❖ کاهش هزینه ها : در این شیوه آموزش هم وقت کمتری صرف می شود و هم از جهت مادی نیز هزینه کمتری برای نظام آموزشی دارد.
 - ❖ نداشتن محدودیت زمان و مکان : علاوه بر تدریس و تبادل اطلاعات ذخیره مطمئن و سیال در طول دوره تحصیلی خواهد بود و مخاطب در هر زمان میتواند به راحتی به آن مراجعه کند.
 - ❖ فراگیری گسترده مخاطب
 - ❖ عدم محدودیت تعداد مخاطبان و کاربران
 - ❖ هماهنگی بیشتر با ذائقه نسل جدید
 - ❖ برقراری ارتباط عمیق تر با فراگیران : با استفاده از تالارهای گفتگو، پیام های فوری و پست های الکترونیکی و ایجاد مجموعه های آنلاین می توان ارتباط عمیق تری با فراگیران برقرار کرد.
 - ❖ حذف تردها و هزینه های شرکت در دوره های آموزشی حضوری
 - ❖ هماهنگی راحت تر فراگیران : فراگیران راحت تر می توانند خود را با دوره های آموزشی الکترونیکی هماهنگ کنند.
 - ❖ داشتن سرعت بیشتر : در آموزش مجازی سرعت بیشتر از آموزش به شیوه سنتی است.
 - ❖ اصلاح راحت تر مسیر یادگیری در شکل و محتوا
- برای استفاده بهینه از امکانات آموزش مجازی باید فرهنگ به کارگیری این شیوه ترویج شود و زیرساخت های سخت افزاری و نرم افزاری فراهم شود. نیروی انسانی توانمند و تولید محتوای ارزشمند از دیگر عوامل زیرساختی این نوع آموزش است. بحران کرونا میتواند فرصتی برای شناسایی ضعف ها، کمبودها و نقص های زیرساختی در این زمینه و نمایان ساختن عدم توازن در توزیع زیرساخت های مورد نیاز در بخش اینترنت و شبکه های تلویزیونی به خصوص در مناطق مرزی و دور از دسترس و شناسایی این کمبودها و تلاش در جهت بر طرف کردن آنها باشد و این به مثابه رشد و تعالی در این زمینه و جنبه مثبت شرایط به وجود آمده و خود نقطه آغازی برای تداوم در آینده است.

نتیجه گیری و پیشنهاد

اگر چه شیوع ناگهانی کووید ۱۹ ، سیستم های بهداشتی درمانی دنیا را با چالش های متعددی روبرو کرد، اما سایر حوزه ها از جمله حوزه تعلیم و تربیت را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. با شروع اپیدمی کووید ۱۹ در سراسر جهان، پروتکل های بهداشتی بر رعایت فاصله گذاری اجتماعی تأکید کردند. در این راستا در بسیاری از کشورها از جمله در کشور ما، برای کاهش شیوع ویروس کرونا آموزش های حضوری در مدارس و دانشگاه ها تعطیل شد. در این رابطه و هم راستا با نتایج رضانی و همکاران (۱۳۹۹)، امراله و همکاران (۱۳۹۹) و کرامتی و همکاران (۱۳۹۹) برنامه درسی مراکز آموزشی می بایست با ایجاد تغییرات مناسب خود را با شرایط حال حاضر وفق دهد و برنامه لازم را برای آینده و بحران های آتی طراحی نماید. بحران ها در طول تاریخ بشر و در مقاطع زمانی مختلف ایجاد شده اند و با توسعه علم و تکنولوژی می بایست اثرات منفی آنها را کاهش داد و نقش آنها را در به چالش کشیده ابعاد مختلف زندگی بشری همچون برنامه های تعلیم و تربیت کاهش داد. لذا برای این که آموزش دانش آموزان و دانشجویان در طول دوره فاصله گذاری اجتماعی دچار وقفه نشود و برنامه های درسی طبق برنامه از قبل مشخص شده، تداوم داشته باشد راه کارهای مختلفی ارائه شد. در حوزه آموزش و پرورش، آموزش از طریق تلویزیون و با

همکاری شبکه آموزش ارائه شد و هدف اصلی آن رعایت عدالت آموزشی عنوان شد. اگر چه تجارب موفقیتی در این زمینه کسب شد، اما با توجه به تنوع مقاطع تحصیلی و رشته های درسی عملاً امکان ارائه همه دروس به شکل آموزش تلویزیونی میسر نشد. از طرف دیگر یکی از مهم ترین عیب این نوع آموزش، یک طرفه بودن و عدم تعامل بین معلم و دانش آموز بود تا این که اپلیکیشنی در بستر شبکه اجتماعی با عنوان شبکه اجتماعی دانش آموزان (شاد) طراحی شد و آموزش ها در این بستر ارائه شد. اگر چه این شبکه هم دارای محدودیت ها و مشکلاتی بود اما رفته رفته مشکلات آن مرتفع شد و توانست رضایت نسبی معلمان و دانش آموزان را جلب کند هر چند با ایده آل های آموزش مجازی هنوز فاصله زیادی دارد. اگر چه پاندمی کرونا، مشکلات زیادی بر تمام شاخص های جامعه از جمله سلامت مردم تحمیل کرد، اما منجر به شکوفایی برخی قابلیت ها در کشور شد که از جمله آن می توان به فراگیر شدن و رونق یافتن آموزش مجازی در سراسر کشور اشاره کرد. به نظر می رسد که آموزش مجازی در کشور ما وارد یک فاز جدیدی شده و توجه بیش تری به آموزش های مجازی معطوف شده است. از طرف دیگر، مسئولین امر نیز بیش از پیش بر اهمیت آموزش از راه دور و آموزش های مبتنی بر یادگیری الکترونیکی واقف شده اند. بنابراین انتظار می رود که با توسعه زیرساخت های لازم از قبیل توسعه شبکه سراسری اینترنت و افزایش سرعت آن، تولید نرم افزارهای آموزشی تعامل محور، و استفاده از تجارب کسب شده در این پاندمی شاهد رونق روزافزون آموزش مجازی در کشور باشیم و حتی بعد از پایان یافتن شیوع کرونا، این نوع آموزش در کنار آموزش حضوری تداوم داشته باشد.

منابع

الف- فارسی

- ❖ سالم، شبنم. (۱۳۹۷). بررسی رابطه میزان استفاده از فناوری اطلاعات اعضای هییت علمی با عملکرد آموزشی و پژوهشی آنان در دانشگاه تهران، یازدهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- ❖ رمضانی قباد، اعلا مریم، نوروزی اعظم. (۱۳۹۹). بحران کرونا و ضرورت بازنگری و تغییر در تدوین محتوای برنامه های درسی علوم پزشکی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۲۰(۱)؛ ۱۱۴-۱۱۵
- ❖ امراله، امید. آزادی احمدآبادی، قاسم. (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت بندی موانع اجرای مجازی برنامه درسی رسمی کشور در دوران شیوع جهانی بیماری کرونا (از دیدگاه معلمان و مدیران شاغل در مدارس شهر تهران). *مطالعات برنامه درسی*. ۲۵(۳)؛ ۹۲-۱۰۸
- ❖ بشارت نیا، محمدصادق و فیاض پور، محمد و رحیمی، حمیده و عمادی، فرحناز. (۱۳۹۹). واکاوی و تحلیل نقش ارزشیابی کیفی توصیفی در بهبود پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی در زمان شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مدارس، پنجمین همایش بین المللی افق های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب های اجتماعی. تهران، ص ۵۲
- ❖ کرامتی، انسی. (۱۳۹۹). نقش اساتید در اثربخشی برنامه های درسی مجازی در عصر کرونا، هفتمین کنفرانس بین المللی دستاوردهای نوین پژوهشی علوم تربیتی، روانشناسی و علوم اجتماعی، اصفهان، ص ۱۲۶
- ❖ فراشبندی، رضا و گلستانی، افسانه و حبیبی دهنه سیری، زینب و شامرادی ورنامخواستی، نسیم، ۱۳۹۶، فلسفه تحلیلی و تاثیر آن بر تعلیم و تربیت، سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، ص ۸۱
- ❖ جرج، ف، نلر؛ آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فریدون بازرگان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶، ص ۱۰۹.

- ❖ شعاری نژاد، علی اکبر؛ فلسفه آموزش و پرورش، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰، ص ۳۳۱.
- ❖ ام.سی، سوتاریا؛ فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه سعید بهشتی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۶، ص ۳۷۶.
- ❖ غفوری فرد منصور.(۱۳۹۹). رونق آموزش مجازی در ایران: توان بالقوه ای که با ویروس کرونا شکوفا شد. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۱۳۹۹؛ ۲۰(۱): ۳۳-۳۴
- ❖ رحیمی، مهدیه، مشکى باف مقدم، زهره. (۱۳۹۹). اقدام پژوهی درباره مدیریت کلاس درس قبل و پس از کرونا. مطالعات کارورزی در تربیت معلم؛ ۲(۱)، ۹۹-۱۱۸
- ❖ فاضلی، نعمت الله. (۱۳۹۹). پیش گفتار سردبیر میهمان: کرونا، مسئله ای میان رشته ای. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی. ۱۲(۲): ۳-۷
- ❖ قائمی امیری مریم، غلام نیا شیروانی زینب، حسینی مطلق زینب، عباس زاده مریم، صادقی فرزین(۱۳۹۹). بررسی دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی بابل نسبت به اثر بخشی کارگاه های توانمندسازی اساتید در زمینه آموزش مجازی. ۱(۹)، ۴۵-۳۵

ب- انگلیسی

- ❖ Dan, Zh. (2020). China adopts non-contact free consultation to help the public cope with the psychological pressure caused by new coronavirus pneumonia. Asian Journal of Psychiatry. Available online 10 April 2020, In Press.
- ❖ Mian A, Khan SH. Medical education during pandemics: a UK perspective. BMC Medicine. 2020; 18(1): 100
- ❖ Sajed AN, Amgain K. Corona Virus Disease(COVID-19) Outbreak and the Strategy for Prevention. Europasian Journal of Medical Sciences. 2020; 2(1): 1-4.
- ❖ Viner RM, Russell SJ, Croker H, Packer J, Ward J, Stansfield C, et al. School closure and management practices during coronavirus outbreaks including COVID-19: a rapid systematic review. The Lancet Child & Adolescent Health. 2020; 4(5): 397-404.
- ❖ Ghafouri Fard M, Hasankhani Hadi H. Virtual Hospital: a new approach in education and treatment. Journal of medical education development. 2015; 8(17): 47-57.
- ❖ Ahmed H, Allaf M, Elghazaly H. COVID-19 and medical education. The Lancet Infectious Diseases. 2020; S1473(20): 30226-7
- ❖ Echo, Umberto (2016) *History of Ugliness*, Homa Bina and Kianoosh Taghizadeh, Tehran: Academy of Arts. (in Persian)
- ❖ Colin W.Evers- Analytic and post – analytic philosophy of education - Philosophy of education -Paul .H.Hirst – London - Routledge- 1 th ed 1998 - V1 p 120